

صلاة الاضحية



دانشکده : علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته: تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت

### عنوان پایان نامه:

واکاوی اصول حاکم بر گفتگوی تربیتی براساس تحلیل گفتگوهای تربیتی قرآن در مقایسه با دیالکتیک افلاطونی

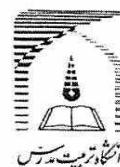
نام دانشجو:

زهرا صالحی متعهد

استاد راهنما:

دکتر علیرضا صادقرزاده قمصری

تابستان ۹۲



دانشکده علوم انسانی

باسمه تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان خانم زهرا صالحی متعهد  
اصول حاکم بر گفتگوی تربیتی براساس تحلیل گفتگوهای تربیتی قرآن در مقایسه با دیالکتیک افلاطونی

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد تأیید می کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	استادیار	علیرضا صادقزاده قمصری	۱- استاد راهنما
	استادیار	ابراهیم طلایی	۲- استاد مشاور
	استادیار	محسن ایمانی	۳- استاد ناظر (داخلی)
	استادیار	نیکو دیالمه	۴- استاد ناظر (خارجی)
	استادیار	محسن ایمانی	۵- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

## آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی پایان نامه

**مقدمه:** با عنایت به سیاست های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عنوان پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

**ماده ۱-** حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

**ماده ۲-** انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجوی مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

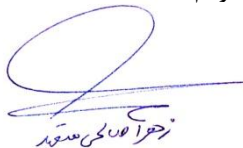
**تبصره:** در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

**ماده ۳-** انتشار کتاب و یا نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

**ماده ۴-** ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

**ماده ۵-** این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

اینجانب زهرا صالحی متعهد دانشجوی رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش ورودی سال تحصیلی ۱۳۹۰ دانشکده علوم انسانی متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هرگونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هرگونه اعتراض را از خود سلب نمودم.

  
زهرا صالحی متعهد

امضاء:

تاریخ:

## آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت است که در سال ۱۳۹۲ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر علیرضا صادفزاده قمصری، مشاوره جناب آقای دکتر ابراهیم طلایی از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب زهرا صالحی متعهد دانشجوی رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.



نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضا:

۹۲، ۱۲، ۱۰



دانشکده : علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته: تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت

### عنوان پایان نامه:

واکاوی اصول حاکم بر گفتگوی تربیتی براساس تحلیل گفتگوهای تربیتی قرآن در مقایسه با

دیالکتیک افلاطونی

نام دانشجو:

زهرا صالحی متعهد

استاد راهنما:

دکتر علیرضا صادقرزاده قمصری

استاد مشاور

دکتر ابراهیم طلایی

تابستان ۹۲

تقدیم به:

بزرگترین مربی بشریت،  
هم او که مبعوث شد تا فضائل اخلاقی را به سر حد کمال خود رساند<sup>۱</sup>...

---

<sup>۱</sup> - قال رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (همانا من برای تکمیل فضائل اخلاق مبعوث شدم)

## تقدیر و تشکر

ابتدا از درگاه ایزد منان شکرگزارم که به این حقیر توفیق داد تا در اقیانوس بیکران قرآن کریم، در حد وسع و بضاعت ناچیزم مستغرق شوم و از او مسئلت دارم تا پیمان‌ام را از زلال آموزه‌های قرآن لبریز گرداند و از خوشه‌های معرفت آن بر من صدقه دهد- فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا-.

اگرچه تسلط و چیره دستی استاد راهنمای محترم حجت الاسلام دکتر علیرضا صادق‌زاده قمصری در حیطه‌ی علوم اسلامی و علوم غربی در افزایش سطح کیفی این نوشتار غیر قابل انکار است، اما بیش از این‌ها باید از قول لیلین و خُلُق متین این بزرگوار در تمام مسیر پر فراز و نشیب این پژوهش، خاضعانه تشکر نمایم.

نکات و تذکرات بجا و راهگشای اساتید مشاور و داور، آقایان دکتر ابراهیم طلایی، دکتر محسن ایمانی و خانم دکتر نیکو دیالمه در ارتقای سطح علمی این پژوهش بسیار اثرگذار بود. دعای خیر پدر و مادرم و حمایت‌های بی‌دریغ همسر من نیز بی‌شک پشتوانه‌ی معنوی این پژوهش است، از همه این بزرگواران خاضعانه سپاسگزارم.



## چکیده

پژوهش حاضر با هدف استنباط و واکاوی اصول حاکم بر گفتگوی تربیتی، به سراغ دو منبع قرآن و دیالکتیک افلاطونی رفته است. برای این منظور گفتگوهای تربیتی قرآن (شامل ۳۷ گفتگو) و بخشی از آثار افلاطون (شامل سه رساله جمهوری، منون و ایون) را مورد تحلیل و بررسی روشمند قرار داده است. حاصل این بررسی، استخراج مجموعه روش‌های بکار گرفته شده در این گفتگوها است که از تحلیل و دسته‌بندی روش‌ها، به اصول حاکم بر گفتگوی تربیتی دست یافته‌ایم و در انتها نیز یافته‌های حاصل از هر دو مجموعه را با نگاهی تطبیقی، به نظاره نشسته ایم.

یافته‌های این پژوهش در دو سطح قابل ارائه می‌باشند. سطح اول، شامل اصولی است که به صورت مشترک، از هر دو منبع استنباط شده است لذا از حیث اولویت، در مرتبه بالاتری قرار گرفته و قابلیت تعمیم بیشتری برای گفتگوی تربیتی در عصر حاضر دارد. اصول مشترک استنباط شده از دو منبع، شامل ۶ اصل تحت عناوین زیر می‌باشد: مواجهه منطقی و استدلالی، اعطای آزادی مسئولانه، اخلاق‌مداری، مشارکت، ایجاد انگیزه و یادآوری (تذکار).

سطح بعدی یافته‌ها که در مرتبه دوم اولویت قرار دارد، شامل اصولی است که به شکل جداگانه از هر یک از دو منبع مذکور استخراج شده و برگرفته از فضای فکری- معرفتی هر یک از منابع مربوطه است. این موارد مجموعاً ۹ اصل به شرح زیر است: مواجهه غیرمستقیم، اعتماد سازی، ارتقای سطح معرفتی متربی، بکارگیری انگیزه صیانت از نفس، مواجهه واقع بینانه، به چالش کشیدن متربی، ژرف‌کاو، کمک به فهم بهتر متربی و صحت‌سنجی جریان معرفت.

واژگان کلیدی: گفتگو، گفتگوی تربیتی، گفتگوی قرآنی، دیالکتیک افلاطونی

## فصل اول

۱	بیان مساله	۳.....
۲	اهمیت و ضرورت پژوهش	۵.....
۳	سوالات پژوهش	۶.....
۴	اهداف پژوهش	۶.....
۵	روش و ابزار گردآوری اطلاعات	۶.....
۶	مفاهیم کلیدی	۸.....
۶.۱	اصول	۸.....
۶.۲	گفتگو	۸.....
۶.۳	گفتگوی تربیتی	۹.....
۶.۴	گفتگوهای تربیتی قرآن	۱۰.....
۶.۵	دیالکتیک افلاطونی	۱۰.....

## فصل دوم

۱۳	مبانی نظری	۱۳.....
۱	گفتگو	۱۳.....
۱.۱	تاریخچه گفتگو در طول تاریخ	۱۳.....
۱.۲	تفاوت گفتگو با مفاهیم مشابه	۱۶.....
۱.۲.۱	تفاوت «گفتگو» با «گفتمان»	۱۶.....
۱.۲.۲	تفاوت گفتگو با «تک‌گویی»	۱۸.....
۱.۲.۳	تفاوت گفتگو با «جدل»	۱۹.....
۲	گفتگو از منظرهای مختلف	۲۰.....
۲.۱	گفتگو در علوم مختلف	۲۰.....

۲۱	گفتگو در علم سیاست	۲.۱.۱
۲۱	گفتگو در علم حقوق	۲.۱.۲
۲۲	گفتگو در علم تعلیم و تربیت	۲.۱.۳
۳۹	گفتگو از منظر دینی	۲.۲
۳۹	گفتگو در اسلام	۲.۲.۱
۵۲	گفتگو به مثابه روشی برای تربیت	۳
۵۶	رویکرد ما به گفتگوی تربیتی	۳.۱
۵۷	پیشینه پژوهشی	

### فصل سوم

۶۰	توصیف و تحلیل گفتگوهای قرآنی	۱
۱۱۰	اصول حاکم بر گفتگو بر اساس گفتگوهای قرآنی	۲
۱۱۱	اصل مواجهه غیر مستقیم	۲.۱
۱۱۱	روش: بیان کلام مورد انتظار از مربی، از جانب مربی	۲.۱.۱
۱۱۲	روش: اصلاح اشتباه مربی در حین پاسخ	۲.۱.۲
۱۱۳	روش: استفاده از گزاره های نشانگر	۲.۱.۳
۱۱۳	اصل مواجهه استدلالی و منطقی	۲.۲
۱۱۴	روش: نقد مبانی و پیشفرض های مربی	۲.۲.۱
۱۱۴	روش: ارائه پاسخ جدلی (با استفاده از مثال نقض)	۲.۲.۲
۱۱۵	اصل اعتماد سازی	۲.۳
۱۱۵	روش: مستند سازی قوی	۲.۳.۱
۱۱۶	روش: مستند سازی عملی (معجزه)	۲.۳.۲
۱۱۷	روش: بیان خیرخواهی خود نسبت به مربی	۲.۳.۳
۱۱۸	روش: بیان عدم اضرار به مربی در فرایند تربیت	۲.۳.۴
۱۱۸	اصل ارتقای سطح معرفتی مربی	۲.۴
۱۱۸	روش: تعلیم پیش فرض صحیح	۲.۴.۱

۱۱۹.....	روش: ارائه پاسخهای دوسطحی.....	۲.۴.۲
۱۲۰.....	روش: معرفت افزایی از طریق توصیف شرایط.....	۲.۴.۳
۱۲۰.....	<b>اصل اعطای آزادی مسئولانه.....</b>	<b>۲.۵</b>
۱۲۱.....	روش: قرار دادن گزینه های مختلف پیش روی متربی.....	۲.۵.۱
۱۲۱.....	روش: اعطای جواز طرح پرسش به متربی.....	۲.۵.۲
۱۲۲.....	روش: میدان دادن به متربی و طبق خواسته او عمل کردن.....	۲.۵.۳
۱۲۲.....	<b>اصل اخلاق مداری.....</b>	<b>۲.۶</b>
۱۲۳.....	روش: پاسخ احسن به جای مقابله به مثل (پاسخ معکوس).....	۲.۶.۱
۱۲۳.....	روش: صبر ورزی.....	۲.۶.۲
۱۲۴.....	<b>اصل ایجاد مشارکت.....</b>	<b>۲.۷</b>
۱۲۴.....	روش: استفاده از موقعیت عملی.....	۲.۷.۱
۱۲۵.....	روش: بها دادن به متربی در فرایند گفتگو.....	۲.۷.۲
۱۲۵.....	<b>اصل توجه به انگیزه.....</b>	<b>۲.۸</b>
۱۲۵.....	روش: بیان نقطه نیاز متربی به بحث.....	۲.۸.۱
۱۲۶.....	روش: یادآوری داشته های متربی.....	۲.۸.۲
۱۲۷.....	روش: ارائه پیشنهادات انگیزه ساز.....	۲.۸.۳
۱۲۷.....	<b>اصل مواجهه واقع بینانه.....</b>	<b>۲.۹</b>
۱۲۷.....	روش: مواجه کردن متربی با محدودیت های موجود در عمل.....	۲.۹.۱
۱۲۸.....	روش: دعوت متربی به واکاوی درونی خویش.....	۲.۹.۲
۱۲۹.....	<b>اصل بکارگیری انگیزه صیانت از نفس.....</b>	<b>۲.۱۰</b>
۱۲۹.....	روش: انذار (بیان عاقبت عمل نکردن به تکلیف).....	۲.۱۰.۱
۱۲۹.....	روش: تبشیر.....	۲.۱۰.۲
۱۳۰.....	<b>اصل یادآوری.....</b>	<b>۲.۱۱</b>
۱۳۰.....	روش: ارجاع به فطرت از طریق پرسش.....	۲.۱۱.۱
۱۳۰.....	روش: تردید آفرینی از طریق پرسش از بدیهیات عقلی.....	۲.۱۱.۲

### فصل چهارم

۱۳۴	توصیف و تحلیل دیالکتیک های افلاطونی	۱
۱۵۰	اصول حاکم بر گفتگو براساس دیالکتیک افلاطونی	۲
۱۵۱	اصل به چالش کشیدن متربی	۲.۱
۱۵۱	روش: به تناقض رساندن متربی (آشکار کردن تناقض موجود در کلام متربی)	۲.۱.۱
۱۵۳	اصل کمک به فهم بهتر متربی در بحث	۲.۲
۱۵۳	روش: تمثیل	۲.۲.۱
۱۵۳	روش: مستدل کردن گفته متربی	۲.۲.۲
۱۵۴	روش: توضیح مجدد	۲.۲.۳
۱۵۴	اصل اخلاق مداری در گفتگو	۲.۳
۱۵۵	روش: صبر ورزی	۲.۳.۱
۱۵۵	اصل ایجاد انگیزه	۲.۴
۱۵۶	روش: تحسین متربی (به دلیل سوال خوب یا گفتار شایسته)	۲.۴.۱
۱۵۶	روش: اعطای فرصت بروز و ظهور به متربی	۲.۴.۲
۱۵۷	روش: تشویق متربی برای بیان اندیشه ها	۲.۴.۳
۱۵۸	اصل ژرف کاوی	۲.۵
۱۵۸	روش: ارائه دسته بندی منطقی از سؤال متربی	۲.۵.۱
۱۵۸	روش: نشان دادن زوایای مختلف موضوع	۲.۵.۲
۱۵۸	روش: نشان دادن ابتدای سؤال بر پیش فرض	۲.۵.۳
۱۵۹	اصل صحت سنجی جریان معرفت	۲.۶
۱۵۹	روش: پرسش از متخصص	۲.۶.۱
۱۶۰	روش: آزمون یافته ها	۲.۶.۲
۱۶۰	روش: اندیشیدن و عدم تعجیل در قضاوت و داوری	۲.۶.۳
۱۶۱	اصل اعطای آزادی مسؤلانه	۲.۷
۱۶۱	روش: پرهیز از تصمیم گیری بجای متربی	۲.۷.۱
۱۶۱	روش: توجه به خواسته متربی	۲.۷.۲
۱۶۲	اصل مواجهه منطقی و استدلالی	۲.۸

۱۶۲	روش: تبیین روش صحیح تعریف مفاهیم	۲.۸.۱
۱۶۳	روش: نشان دادن خطای متربی با استفاده از مثال نقض	۲.۸.۲
۱۶۴	روش: تشکیک در پیش فرض متربی	۲.۸.۳
۱۶۴	<b>اصل مشارکت</b>	<b>۲.۹</b>
۱۶۵	روش: تکمیل سخن متربی	۲.۹.۱
۱۶۵	روش: ارتقاء سطح سؤال متربی	۲.۹.۲
۱۶۶	روش: دعوت به مشارکت در بحث	۲.۹.۳
۱۶۷	<b>اصل یادآوری (تذکار)</b>	<b>۲.۱۰</b>
۱۶۷	روش: القای معرفت	۲.۱۰.۱
۱۶۷	روش: تردید آفرینی از طریق پرسش	۲.۱۰.۲

### فصل پنجم

۱۷۰	مقایسه دو مجموعه تحلیل گفتگو	۱
۱۷۱	مقایسه از حیث نوع مخاطب	۱.۱
۱۷۲	مقایسه از حیث ساحت تربیتی گفتگو	۱.۲
۱۷۳	مقایسه از حیث موضوع گفتگو	۱.۳
۱۷۴	مقایسه از حیث هدف گفتگو	۱.۴
۱۷۵	مقایسه اصول استنباط شده	۱.۵
۱۷۶	مقایسه روش های بکار گرفته شده	۱.۶
۱۷۸	با هم نگری اصول	۲
۱۸۱	پاسخ اجمالی به سوالات پژوهش	۳
۱۸۳	بحث و نتیجه گیری	۴
۱۸۵	پیشنهاد های پژوهشی	۵
۱۸۶	پیشنهاد های کاربردی	۶
۱۸۷	فهرست منابع	

### فهرست جداول:

جدول شماره ۱.....	۴۷
جدول شماره ۲.....	۱۷۴
جدول شماره ۳.....	۱۷۴
جدول شماره ۴.....	۱۷۵
جدول شماره ۵.....	۱۷۵
جدول شماره ۶.....	۱۷۶
جدول شماره ۷.....	۱۷۷

### فهرست نمودارها:

نمودار شماره ۱.....	۱۷۱
نمودار شماره ۲.....	۱۷۲
نمودار شماره ۳.....	۱۷۹

## مقدمه

مجموعه تعلیم و تربیت یکی از عناصر مهم هر جامعه است که با پیشرفت‌ها و تغییرات جوامع، روز به روز در حال تغییر و دگرگونی است. در فضای تعلیم و تربیت کنونی حرکتی رو به رشد در حوزه استفاده از روش‌های نوین و فعال را شاهد هستیم. متریبان و دانش‌آموزان نسل جدید با روش‌های مربی محور و یک سویه قدیمی که آنها را به شنونده بودن صرف وا می‌دارد سازگاری ندارند و این امر جامعه تعلیم و تربیت را به سمت یافتن و کاربست روش‌های مشارکتی و فعال و دانش‌آموز محور سوق داده است. در این میان یکی از روش‌هایی که به نظر می‌رسد پتانسیل بکارگیری در فضای تعلیم و تربیت را دارد و می‌تواند جایگاه مناسبی را به خود اختصاص دهد روش گفتگو است.

برای وارد کردن گفتگو به نظام تعلیم و تربیت و کاربردی کردن آن، پیش از هر چیز لازم است از جنبه پژوهشی به آن غنا بخشیده شود و این نیاز پژوهشی بر اساس هدف و جایگاه کاربرد آن می‌تواند متفاوت باشد. به این معنا که اگر بناست در فضای تعلیم و تربیت اسلامی از آن بهره گرفته شود، لازم است متناسب همان، از هر دو بعد تربیتی و اسلامی مورد توجه محققان قرار گیرد و برای رسیدن تا مرحله کاربرد، برایش برنامه ریزی پژوهشی انجام شود.

به عنوان یکی از اولین گامها درخصوص روش گفتگو، پژوهش حاضر در صدد است با هدف به کاربست نزدیک کردن این روش، اصول حاکم بر آن را واکاوی نماید. برای این منظور دو منبع که این روش در آن به کار گرفته شده است را پیش روی خود قرار داده و بنا دارد به تحلیل گفتگوهای تربیتی موجود در آنها بپردازد. از سویی قرآن کریم که بیانگر بسیاری از فرایندهای تربیتی انبیا در قالب گفتگوست ملاک قرار گرفته است و از سوی دیگر برخی رسالات افلاطون که روایتگر گفتگوهای تربیتی سقراط با متریبانش می‌باشد مورد توجه است.

این پژوهش با هدف واکاوی اصول حاکم بر گفتگو به تحلیل این دو مجموعه گفتگویی می‌پردازد و در انتها با نظاره گری این دو در کنار هم، مجموعه‌ای از اصول کاربردی را جهت کاربست به نظام تعلیم و تربیت پیشنهاد می‌کند.



# فصل اول: کلیات

## ۱. بیان مساله

یکی از وجوه تمایز انسان با سایر موجودات را می‌توان قوه‌ی نطق و توانایی گفتگو در او دانست، به طوری که در تعریف انسان آمده انسان حیوان ناطق است. زمانی افق اندیشه و خرد در آدمی رشد و تعالی می‌یابد که بتواند دروازه‌های ورود هر سخن و اندیشه را به روی خود بازگذارد، وارد گفتگو شود، گفت و شنود کند و سپس به گزینش پردازد<sup>۱</sup>. انسان با این ابزار که خداوند در اختیارش قرار داده، با انسان‌های دیگر ارتباط برقرار می‌کند و افکار نوین و احساسات خود را به دیگران ابراز می‌کند.

بر همین مبناست که گفتگو در تربیت، نقشی اساسی می‌یابد، چرا که تربیت نیازمند برقراری ارتباط و تأثیر و تأثر بین مربی و متربی است، همچنانکه قرآن این کتاب آسمانی که وظیفه تربیت بشریت را به عهده دارد از این روش به عنوان یکی از راههای تعامل اجتماعی بین تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و انسان‌های مختلف استفاده نموده است.

خدای متعال در قرآن در مسیر انتقال حقایق و بیان مصالح، غالباً این راه را برگزیده است و در ارتباط با اغلب پیامبران از بهترین راه‌ها برای انتقال اندیشه و حل اختلاف‌ها و رسیدن به یک نقطه مشترک را گفتگو می‌داند (پشم فروش، ۱۳۸۰). اعتقاد عمیق انبیا به اثرات گفتگو در تربیت در آیات الهی قرآن تجلی کرده است. و آنچنانکه در آیات بسیاری می‌بینیم، ایشان در بسیاری موارد با متربیان موافق و مخالف خود به گفتگو می‌پردازند. البته لازم به ذکر است که قرآن کریم نقل‌کننده گفتگوهای انبیا است و سیر تاریخی انبیا بر نزول قرآن مقدم است.

از طرف دیگر دانشمندان غربی از حدود قرن ۵ ق.م به این روش و اهمیت و تأثیر آن در شکل‌گیری تفکر پرداخته‌اند. و در سیر تاریخ فلسفه غرب سقراط فیلسوف یونانی، مبدع روش گفت و شنود شناخته شده است (بازرگان، ۱۳۵۱). البته باید اشاره کرد که به اعتقاد برخی چون ارسطو، مبدع دیالکتیک زنون الیایی، صاحب پارادوکس‌های معروف می‌باشد. اما می‌توان گفت روش دیالکتیک و گفت و شنود به معنای امروزی‌اش برگرفته از مفهوم سقراطی آن است چرا که دیالکتیک زنون، تنها به معنای رد فرضیات مخالف از طریق استنتاج نتایج غیر قابل پذیرش از آن فرضیات بود. در واقع، زنون اولاً می‌کوشید صرفاً فرضیه مخالف را باطل کند نه اینکه نظریه‌ای را اثبات کند، ثانیاً این کار را با مقدماتی که مخالف او پذیرفته بود، انجام می‌داد نه با مقدمات یقینی. بنابراین، روش

<sup>۱</sup> - الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله و اولئک هم اولوا الالباب (زمر، ۱۸)

زنون را می‌توان صرفاً صورت اولیه و خام دیالکتیک دانست (کاپلستون، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۷۳). و سقراط بود که شکل آموزشی به آن بخشید.

در واقع برجسته‌ترین خصیصه فلسفه سقراطی همین شیوه گفتگو و روش دیالکتیک است (شمشادی، ۱۳۸۵). افلاطون برجسته‌ترین شاگرد سقراط هم معتقد بود که حقیقت امور را نمی‌توان به صورت چیز آماده‌ای به دست آورد، بلکه حقیقت در نتیجه اندیشه و گفتگو فراهم می‌آید و در نتیجه گفتگو و نقادی، ذهن به تدریج به سوی طلب حقیقت به حرکت در می‌آید (جعفر نژاد، ۱۳۸۶).

گذشته از سیر تاریخی گفتگو، در جامعه کنونی ما نیز دیده می‌شود که رفته رفته فضای تربیتی به سمت استفاده از روش‌های دانش‌آموز محور و مشارکتی در حرکت است. از جمله پژوهش‌هایی درباره تاثیر کارگروهی بر یادگیری، یادگیری مشارکتی (ویگوتسکی، ۱۸۹۶) و آموزش مبتنی بر گفتگو (نیستانی، ۱۳۸۸) انجام گرفته است و لذا به نظر می‌رسد ساختارمند شدن و تئوریزه شدن این روش تربیتی نیازمند غنای بیشتر پژوهشی آن است، تا بتواند به عنوان یک روش کارآمد در تربیت اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

از این رو ضرورت آن احساس می‌شود تا برای استفاده از این روش در نظام تعلیم و تربیت، بنیان نظری کاملی تدوین گردد. پژوهش حاضر در نظر دارد تا اصول گفتگوی تربیتی را پی‌جویی نماید. برای این منظور گفتگوهای تربیتی قرآن و دیالکتیک‌های افلاطونی به عنوان دو نمونه انتخاب گردیده‌اند. انتخاب گفتگوهای قرآنی از آن روست که ما این روش را در حوزه تربیت اسلامی عرضه خواهیم کرد و قرآن بهترین منبع و قابل اطمینان‌ترین آنها برای الهام‌گیری اصول آن است و انتخاب دیالکتیک افلاطونی نیز به این علت است که یک نمونه موفق تاریخی است و آغازگر این روش بوده است و همچنین نگاه ما به روش‌شناسی، در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی یک نگاه توقیفی نیست<sup>۱</sup> و لذا می‌توان از تجربه‌ای بشری چون تجربه افلاطون نیز، برای الهام‌گیری اصول حاکم بر گفتگو یاری جست.

در هریک از این دو منبع گفتگوهای مورد نظر تحلیل خواهند شد و روش‌های بکارگرفته شده در آنها استخراج شده، از بررسی و دسته‌بندی این روش‌ها، اصول گفتگو استنباط خواهند گردید. از میان گفتگوهای قرآنی آن دسته از گفتگوهای ناهمسطح قرآن که در آن یک طرف به عنوان مربی ایفای نقش می‌کند (مانند اغلب گفتگوهای انبیا با قومشان و یا گفتگوی خداوند با بندگان و...) به عنوان

<sup>۱</sup> - این ایده توسط علیرضا اعرافی در همایش تربیت در سیره و کلام امام علی(ع) مطرح شده است. ر.ک: مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی(ع)، تهران، نشر تربیت اسلامی، ۱۳۷۹ صفحات ۲۲-۲۶

گفتگوی تربیتی مورد بررسی قرار خواهند گرفت و اصول حاکم بر این ارتباط دوطرفه استخراج خواهد گردید و از دیگر اصول حاکم بر دیالکتیک های افلاطونی مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

لازم به ذکر است علت انتخاب افلاطون از میان فیلسوفان متقدم و متاخری که در باب گفتگو سخن رانده اند (همچون افلاطون، گادامر، بوبر، هابرماس و...) این است که سایرین تنها «درباره» گفتگو سخن گفته اند اما افلاطون به سخن پردازی در این باره بسنده نکرده، و همچون قرآن کریم در عمل نیز به گفتگو پرداخته است. به همین جهت از آن میان، ما افلاطون را برگزیدیم تا اهم رساله های وی را جهت یافتن اصول گفتگو مورد بررسی قرار دهیم.<sup>۱</sup>

در مرحله بعد هنگامی که اصول حاکم بر گفتگوهای قرآنی و اصول حاکم بر گفتگوهای افلاطونی را استخراج نمودیم، اشتراکات و افتراقات این دو را در کنار یکدیگر به نظاره می‌نشینیم و در نهایت می‌توان به این پرسش نیز پرداخت که آیا این دو دسته اصول الهام گرفته شده از دو منبع، قابل استفاده توأمان در تربیت اسلامی هستند و آیا ترکیب سازواری از آنها می‌توان بوجود آورد و در تربیت اسلامی از آن بهره جست؟

## ۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

در بیان ضرورت چنین پژوهشی باید گفت امروزه در فضای تعلیم و تربیت استفاده از روش‌های یک جانبه و معلم محور اثرگذاری کمتری دارد و اقبال عمومی به سمت روش‌هایی است که متری را فعال در نظر می‌گیرد و طرفین، در آن دخیلند. و از مهم‌ترین این روش‌ها که در شرایط مختلف قابل استفاده می‌باشد گفتگوست. و از آنجا که در قرآن کتاب تربیت انسان‌ها نیز این روش به کرات به چشم می‌خورد، لازم دانستیم تا برای وارد کردن این روش در نظام آموزش و پرورش، چند و چون آن را از نگاه دینی و فلسفی واکاوی نماییم. بهترین منبع دینی برای چنین کاری را قرآن کریم یافتیم و در بعد فلسفی نیز بنا به عللی که بیان شد افلاطون را برگزیدیم.

---

<sup>۱</sup> - لازم به ذکر است که گفتگوهای افلاطون در قالب رساله‌هایی که از وی باقی مانده اند و اغلب به شکل نقل قول از سقراط هستند، موجود می‌باشند. این رساله‌ها عبارتند از: جمهوری، منون، فدروس، ته‌توس، هیپاس، شجاعت، دوستی، ایون، پروتاگوراس، مهمانی، اتوفرون، اقریطون، فیدون، الکیادس، غورجیاس، دفاعیه و ...